

گفت‌وگویی صبا با عوامل نمایش «پینوکیو»

خاطره‌بازی با داستان شیرین کودکی

مریم عظیمی

گزارش

داود زارع و نرگس اصغری که تابستان گذشته نمایش «۱۶ سالگی» را با محوریت دغدغه‌ها و مشارکت خود نوجوانان بر صحنه داشتند این روزها نمایش «پینوکیو» به نویسندگی «سو آنگو» که خود یک بازیگر از «پینوکیو» شاهکار «کارلو کلودی» نویسنده ادبیات کودک و نوجوان مشهور ایتالیایی است را در تالار هنر روی صحنه آورده‌اند. تهیه‌کنندگی این اثر را مجید قناد برنامه‌ساز و مجری نام‌آشنای حوزه کودک و نوجوان بر عهده دارد و علیرضادری در کنار نرگس اصغری و ۱۶ بازیگر کودک و نوجوان در این اثر به ایفای نقش پرداخته‌اند. در ادامه گپ و گفت خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

مجید قناد، تهیه‌کننده:

اهمیت کار کودک در آگاهی دادن است

بتواند گلچین کند و اگر چیزی را دوست داشت دنبالش کند و اگر نه در بخش‌ها و برنامه‌های دیگری در پی علایق خود باشد. درست مانند کتاب که نویسنده‌گان عزیز ما تلاش می‌کنند و به شکل‌های مختلف محتوا و مطالبی برای کودکان آماده می‌کنند و واقعا جای تقدیر دارد. بنابراین فقط تلویزیون و نمایش نیست بلکه کتاب نیز هست و جا دارد که واقعا از معلم‌های عزیز خواهش کنیم که بچه‌ها را به این سمت هدایت کنند، همینطور علیرغم اینکه می‌دانم پدر و مادرهای عزیز گرفتاری‌ها و مشغله‌های زیادی دارند خوب است که زمان و فرصتی برای بچه‌ها و هدایت کردنشان در نظر بگیرند و از تلویزیون که در هر خانه‌ای هست انتظار می‌رود که فعالیتش در این زمینه را بیشتر کند.

سخن پایانی:

از شما و همه خبرنگاران که سعی می‌کنید در زمینه‌های متفاوت گزارش تهیه کنید متشکرم. همینطور از کارگردان خوب این نمایش آقای زارع و از گروه خوششان که واقعا منسجم عمل کرده‌اند و این بچه‌ها که آینده ساز هستند و به زیبایی این اثر را اجرا می‌کنند قابل تحسین هستند و جا دارد که از خانواده‌های آنها نیز تشکر کنم که در مدت تولید اثر با بچه‌ها و کارگردان کار همکاری کردند و در نتیجه همه این تلاش‌ها و همکاری‌ها بوده که بچه‌ها در کنار کارگردان خوب این نمایش توانستند یک اثر خوب را روی صحنه بیاورند.

بنابراین وجود همین نکات در این نمایشنامه و اجرا عامل ترغیب کننده شما برای همکاری بوده؟

بله دقیقا، این نمایش از یک داستان قدیمی و آشنا سرچشمه می‌گیرد هر چند که ما روی موضوع دروغ گفتن چندان مانور ندادیم و سعی کردیم بیشتر روی رعایت ادب و احترام کار کنیم و در بخش کوچکی نیز به مسئله دروغ نگفتن بپردازیم. باید به این نکته توجه داشت که کودکان به تناسب سنشان و به صورت ناخواسته گاه دچار اشتباهاتی می‌شوند و این پدر و مادر و همین آثار نمایشی هستند که بچه‌ها را آگاه و هدایت می‌کنند.

روند نمایش‌های کودک و نوجوان و آثار مربوط به این گروه سنی در تلویزیون در سالهای اخیر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من باید این سوال را از کسانی که در این جایگاه قرار دارند پرسید. من در جایگاهی نیستم که بتوانم در ارتباط با تلویزیون و برنامه‌های کودک سخن بگویم و شما به عنوان خبرنگار اگر رصد کنید و شبکه‌ها را ببینید بهتر متوجه خواهید شد و در همین رابطه باید از مسئولین ذی‌ربط پرسشگری کنید اما می‌توانم بگویم که نسبت به سال‌های گذشته آثار کمتری تولید می‌شود و امروز در شبکه‌های بسیاری که داریم خیلی کمتر از گذشته که برنامه‌های متنوعی داشتیم و امکان انتخاب برای کودک فراهم می‌شد، کار ارائه می‌شود به همین جهت باید این فرصت برای مخاطب کودک فراهم شود که خودش

همکاری شما با آقای زارع و حضورتان در مقام تهیه‌کننده این نمایش چگونه رقم خورد؟

آقای زارع از دوستان قدیمی من هستند که تئاترهای بسیاری را کار کرده‌اند و خودشان یک مجموعه آموزشی دارند که به همراه همسر گرمای‌شان با کودکان و نوجوانان کار می‌کنند. آقای زارع فردی بسیار با شخصیت، هنرمند و تحصیل کرده هستند به همین جهت با خوشحالی پذیرفتم که در اثر جدیدشان همکاری کنم. این نمایش برگرفته از یک داستان قدیمی است که هم بچه‌ها و هم بزرگترها با آن آشنا هستند و خوشبختانه آنگونه که از بازخوردها پیداست اثر موفقیت آمیزی نیز بوده است.



اهمیت نمایش و کار کودک برای خود مجید قناد چیست؟

اهمیت کار کودک در آگاهی دادن است. ما در اصل در کنار پدر، مادر و معلمان باید سعی کنیم که به بچه‌ها و فرزندان این مرز و بوم به تناسب سنشان آگاهی بدهیم به همین جهت این یک وظیفه سنگین است و کار کردن با کودک نیز سخت است چرا که مخاطبان ما بزرگسال نیستند که خودشان بتوانند هر اثری را هضم کنند و این ما هستیم که باید به تناسب سنشان کاری ارائه کنیم که آگاهی‌های لازم را به آنها بدهد و آنها را تشویق و ترغیب کنیم تا بتوانند ادامه بدهند و آموزش‌های مربوط به اجتماع، زندگی و خانواده را بیاموزند.

داود زارع، کارگردان:

سعی کردیم از طریق تصاویر فضا سازی کنیم

سری المان‌ها نیز بهره گرفتیم مثلاً برای صحنه رستوران از المان یک همبرگر استفاده شد و یاد صحنه نمایش عروسکی با دو تکه چوب گروه بازیگران کودک تبدیل به عروسک‌های نمایش عروسکی می‌شوند همینطور فقط با المان یک کیف دوبعدی که به دست بچه‌ها داده شده صحنه مدرسه خلق می‌شود. ما در این نمایش ۱۶ صحنه مختلف داریم و مدام این صحنه‌ها تغییر می‌کند به همین جهت سعی کردیم با توجه به حجم آکسسواری که نیاز داریم از وسایل و المان‌هایی کم حجم، مینیمال، سبک و کوچک استفاده کنیم. فکر می‌کنم هر چقدر که در آثار کودکان به سمت ساده‌گرایی برویم نه اینکه از کیفیت و متریک کم کرده باشیم بلکه آنچه مدنظر داستان است را بیان کنیم بهتر نتیجه می‌گیریم به همین علت به این سمت رفتیم که مفاهیم را با تصویرسازی به بچه‌ها ارائه کنیم.

سخن پایانی:

کسانی که آثار قبلی مرادیده‌اند این سوال را می‌پرسند که چگونه شد که از آثار تراژیک به این نمایش شاد و طنز رسیدید. من فکر می‌کنم پاسخ این است که چه در آثار نمایشی کودک و چه آثار مربوط به نوجوان سعی ما باید بر این باشد که امید به زندگی و تشویق بچه‌ها به تلاش و سخت‌کوشی را در اثر منعکس کنیم چرا که زندگی هیچ چیز غیر از این نیست و تماشای سخت‌کوشی و تلاش است و ما باید این مفاهیم را به نسل‌های جدید که خود روزی پدر و مادر و وارد جامعه خواهند شد بیاموزیم.

به سایرین و عقایدشان و فرهنگ معذرت خواهی، متأسفانه هنوز هم شاهد هستیم که به جای آموزش فرهنگ معذرت خواهی به کودکان، پدر و یا مادر به جای فرزند عذر خواهی می‌کنند و این برای من خیلی مهم بود که بچه‌ها یاد بگیرند بابت کار اشتباه خودشان عذر خواهی کنند. یک نکته مهم دیگر که در این نمایش به آن اشاره می‌شود پذیرفتن یکدیگر با تمام نقص‌هایی است که داریم حال ما اینجاری نقص‌های ظاهری تاکید داشتیم. برای من بسیار مهم بود که مفاهیم و موارد دیگری مانند شجاعت را به کار اضافه کنیم مضاف بر اینکه حضور خود بچه‌ها در نمایش بسیار مهم بود. ما اگر بتوانیم بچه‌ها را آماده کنیم تا اجرای قابل قبولی داشته باشند و بچه‌ها برای بچه‌بازی کنند مسلماً تأثیرگذاری بیشتری خواهیم داشت چرا که بچه‌ها خودشان را روی صحنه می‌بینند، همذات‌پنداری می‌کنند و این مفاهیم را از همسالان خود خیلی بهتر می‌پذیرند. در عین حال سعی کردم از دکوری انتزاعی استفاده کنم و از المان‌های عرف در نمایش کودکان کمی دور شوم و بیشتر به سمت ساختن فضا توسط خود کودکان بروم.

آنچه که در دکور توجه زیادی جلب می‌کند این است که سعی شده تمام المان‌ها و عناصر در مینیمال‌ترین شکل ممکن و گاه به صورت دوبعدی اجرا شوند. این امر وجه تئاتر یکال بیشتری به فضا داده و خلاقیت مخاطب را نیز بیشتر به کار می‌گیرد.

ما نمی‌خواستیم از دکورهای آنچنانی استفاده کنیم بلکه بیشتر می‌خواستیم از طریق تصاویر، فضا سازی کنیم. در این زمینه از یک

چه تغییراتی روی داستان اصلی «پینوکیو» اعمال کردید.

همانگونه که واقف هستید افراد زیادی چه در عرصه بزرگسال و چه برای بچه‌ها «پینوکیو» را کار کردند. من فکر می‌کنم که یک سری از متون که ادبیات کلاسیک جهانی هستند هیچ وقت قدیمی نمی‌شوند و همانطور که بچه‌ها بزرگتر می‌شوند و نسل‌های جدید سر بر می‌آورند ما وظیفه داریم که یک سری از آداب که به صورت پایدار برای تربیت و پرورش همه نسل‌ها وجود دارد را انتقال بدهیم و این چیزی نیست که کهنه شود حال نگاه ما باید نگاه امروزی‌تری شود. شهر یور سال ۱۴۰۲ متن کوتاهی از خانم سو آنگو ترجمه و آماده کرده بودم این متن خود بازی نویسی شده‌ای اثر کارلو کلودی بود. زمانی که این اثر را خواندم به این نتیجه رسیدم که می‌توان اثری بزرگتر و امروزی‌تر از آن ساخت و مفاهیم بیشتری در آن گنجاند. پینوکیویی که در ابتدای نمایش ما می‌بینید یک مرد ۷۰ ساله است که موفق شده کارخانه بزرگ ساخت عروسک چوبی به راه بیاورد. او عروسک‌هایی می‌سازد که رویش نوشته شده «هدیه به بچه‌ای است که هرگز دروغ نمی‌گوید» در واقع پینوکیو کار پدر ژیتورا را نکرده و آن کارگاه کوچک تجاری را به این کارخانه تبدیل کرده است. شاید پینوکیویی که خود کارلو کلودی کار کرده بود بیشتر روی عواقب دروغگویی و این گونه مفاهیم استوار باشد اما من مسائل دیگری را نیز به داستان افزودم مثل ایثار، از خود گذشتگی والدین در قبال فرزندانشان، همینطور احترام

